

وریا علیه کاسب‌ها

فوتبال بهانه تنفس کوتاه جامعه زیر بمباران اخبار تلخ و نگرانی‌های اقتصادی است؛ اما عده‌ای، ورزشی را که برای تمام اعضای جامعه است تبدیل به میدان خشم و تخریب کردند اما با واکنش به موقع وریا غفوری مواجه شدند

صابر| ما جر از چند جمله شروع شد؛ جملاتی که قرار بود «تحلیل فوتبالی» باشند اما به سرعت به تحقیر، برچسب‌زنی و نسخه‌پیچی برای جامعه رسید. چند وقت پیش در برنامه «هت‌تریک» شبکه ایران اینترنشنال، محمد تقوی خطاب به فوتبالیست‌ها گفت: «چرا بازی می‌کنید و کاش «قرص مسهل می‌خورید تا مسابقه برگزار نشود». کمی بعد، درباره شادی معمول وریا غفوری پس از گل، از «افتادن نقاب» گفت و به او برچسب «خون‌شور» زد. پاسخ وریا غفوری در نشست خبری، تند و صریح بود؛ نه فقط دفاع از خود، که افشای هزینه‌ای که سال‌ها بابت مواضعش پرداخته، موضعی که الزاماً قرار نیست موافقت‌باشیم اما می‌دانیم وریا آدمی نبود که به خاطر کمک مربی شدن از آن‌ها کوتاه بیاید؛ همان‌طور که شخصیتش طوری نیست که به خاطر جوسازی امثال تقوی و مزدک به راحتی از فوتبال کنار بکشد. وریا در نشست خبری بعد از بازی استقلال از خودش دفاع کرد که خون‌شور نیست اما علیه آن‌هایی گفت که روزگاری در ایران ساکت بودند و حالا «کاسب خون» محسوب می‌شوند. اما وریا برای چه در «ایران اینترنشنال» تخریب شد و برچسب خورد؟ فقط به خاطر فعالیت در فوتبال بعد از حوادث دی ماه و چرا این فوتبال مهم است؟ مسئله این است که در ایران امروز، برای میلیون‌ها نفر، این ورزش چیزی بیش از چند مسابقه است؛ فوتبال یکی از معدود فضاهایی است که هنوز می‌تواند حس جمعی، مکنی کوتاه در برابر چالش‌های زندگی، و فرصتی حداقلی برای تخلیه اضطراب را فراهم کند. در جامعه‌ای که زیر فشار اخبار تلخ، احتمال جنگ، مشکلات اقتصادی و فرسودگی روانی نفس می‌کشد، همین ۹۰ دقیقه‌ها گاهی نقش یک پناهگاه موقت را برای نوجوان، کارگر و کارمند... بازی می‌کنند. دقیقاً به همین دلیل است که تلاش برای تخریب و تعطیلی فوتبال، آن‌هم با زبان خشم، تحقیر، برچسب و نسخه‌پیچی اخلاقی، یک خطر اجتماعی است. پرسش اصلی این که وقتی فوتبال هم به ابزار خشم و تقابل تبدیل شود و فردی مثل وریا بابت فعالیت در این ورزش تخریب شود، برای جامعه‌ای خسته و مضطرب، چه چیزی باقی می‌ماند؟

رسانه‌ای که کارخانه تولید خشم است

کاری که در برنامه «هت‌تریک» انجام می‌شود، در ظاهر چیزی شبیه نقد ورزشی است؛ اما در واقع با واژونگی مفهومی روبه‌رو هستیم؛ جایی که تحلیل جای خود را به تحقیر، و کارشناسی جایش را به صحبت‌های عوام‌فریبانه و خشم‌آلود می‌دهد. محمد تقوی و مزدک میرزایی در این برنامه نه از کیفیت فنی لیگ ایران حرف می‌زنند و نه از ساختار لیگ، شکل برگزاری و... بلکه مستقیماً با یک سوپه‌نگری محض و اغراق‌زبانیه‌ها و وجدان‌بازیکان را هدف قرار دادند. آن‌هم نه با نقد، بلکه با این دیدگاه که هر کسی مثل آن‌ها نباشد، خون‌شور است و... از نظر این افراد تمام فوتبالیست‌ها باید



اما پاسخ وریا چه نکاتی داشت؟

وریا در شبی که به طور موقت روی نیمکت استقلال نشسته بود و بعد هم خدا حافظی کرد تا دست سرب می‌بعدی باز باشد، پاسخ توهین‌های مزدک و تقوی را داد و گفت: «دو آدمی که یک روز در ایران بودند و امروز کت و شلوار و کراوات می‌پوشند، پوندی حقوق می‌گیرند، به من می‌گویند خون‌شور! واقعتاً و بی‌شرمی این آدم‌ها تا چه حد است؟ ناسانای تا چقدر؟ زندگی شخصی من روی هواست. مردم بدانند چه شباهتهایی تربیون دارند و حرف می‌زنند. بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان ضرر کردم. دو کافه‌ام بسته شده و خط تلفنم مسدود است و حکم دادگاه دارم. به حدی فشار روی من است که نمی‌دانم چه بگویم. چنین آدم‌هایی که شرم می‌آید درباره آن‌ها صحبت کنم؛ زمانی که ایران حضور داشتند، جز مجیز‌گویی کاری نمی‌کردند. حالا امروز دایه مهربان‌تر از مادر شده‌اند. من خون‌شور نیستم، من همیشه در صف مردم بودم. شما کاسب خون هستید و شرم بر شما باد». محوری‌ترین بخش پاسخ وریا، اشاره به کسانی بود که امروز در مقام مبلغ خشم نشسته‌اند اما در گذشته رفتارشان متفاوت بود.

بی‌اخلاقی علیه وریا

وریا در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره اتفاقات قبلی گذرا توضیح داد و شیوه رفتار مزدک میرزایی و تقوی را به چالش کشید. جایی که سابقه افراد نادیده گرفته می‌شود و هر کس که قدم در میدان حرفه‌ای خود می‌گذارد و همزمان موضعی معتدل تر دارد، هدف حمله قرار می‌گیرد چون از نظر رسانه‌هایی مثل اینترنشنال هیچ کس حق ندارد موضعی خلاف آن‌چه آن‌ها می‌پسندند، داشته باشد. حتی اگر مواضع قبلی و احیاناً بعدی وریا غفوری را قبول

است که از سوی مدعیان آزادی بیان اعمال می‌شود. تقوی وقتی از واژه‌هایی مثل «قرص مسهل» و «نقاب افتاده» استفاده می‌کند، نه فقط چند بازیکن، بلکه کلیت فوتبال داخلی را با همه کارکردهایش تخریب می‌کند. چنین گفتارهایی، به ظاهر سیاسی‌اند اما در واقعیت، خشم بی‌هدف را پمپاژ می‌کنند؛ خشم علیه هر کس که کار می‌کند، تلاش می‌کند، و از درون شرایط واقعی جامعه آمده است. وقتی در این برنامه‌ها به وریا غفوری عنوان خون‌شور داده می‌شود یعنی این دو نفر در مقام به اصطلاح کارشناس و مجری از محدوده نقد عبور کرده‌اند؛ این نوع از گفتار رسانه‌ای، دو ویژگی خطرناک دارد: اول ترویج خشم با ارائه احساس برتری اخلاقی برای توجیه تحقیر دیگران. دوم تخریب پناهگاه جمعی با بی‌اعتبار ساختن فوتبال به عنوان یکی از آخرین منابع تعلق و تخلیه اضطراب. در نتیجه، آنچه امروز در «هت‌تریک» و مشابهش دیده می‌شود، نوعی برساخت رسانه‌ای است که عملاً می‌گوید اگر معترض نیستی، پس گناهکاری؛ منطق خطرناکی که می‌تواند هر شکل از مشارکت اجتماعی حتی در زمین فوتبال را بدون استدلال معادل عملی غیر اخلاقی جلوه دهد بی آن‌که بداند فوتبال برای همه است.

از مسئولیت سلبریتی تا نقش ما مردم

در هر جامعه‌ای، به ویژه جوامعی که تحت فشارهای روانی و اقتصادی قرار دارند، ورزشکاران و چهره‌های شناخته‌شده حوزه‌های مختلف، نه فقط به دلیل مهارتشان که به واسطه قدرت تأثیرگذاری‌شان، جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کنند. آن‌ها هم الگو هستند و هم در معرض قضاوت‌های عمومی. اما مسئولیت اجتماعی سلبریتی‌ها، بر خلاف تصور رایج که آن را به بی‌نقص بودن یا اتخاذ موضع سیاسی همسو با خواست عمومی تقلیل می‌دهد، در صادق بودن نسبت به موقعیت واقعی خود و پیام‌های کنش‌ها پشان معنا پیدا می‌کند. این رویکرد، ریشه در هوش هیجانی فرد دارد که فراتر از دانش صرف، شامل توانایی درک، استفاده و مدیریت احساسات خود و دیگران است.

مسئولیت سلبریتی در هوش هیجانی

وریا غفوری در هفته‌های اخیر نمونه‌ای بارز از این نوع صداقت را به نمایش گذاشت. او با درکی عمیق از فشارهایی که بر جامعه و بر خود اوست، در برابر اتهامات سخیف و تلاش برای تخریب فوتبال ایستاد. این ایستادگی، تنها دفاع از خود نبود؛ بلکه نوعی مدیریت هوشمندانه احساسات در برابر تحریک و خشم بود. وریا با وجود تمام هزینه‌های شخصی (از دست دادن قرارداد، مسدود شدن کسب و کار)، تصمیم گرفت در همان میدانی که مطمئن بود درست است بماند، نه این که با پیروی از یک جریان رادیکال برای خودش به ظاهر اعتبار بگیرد. این رویکرد پیامدیک خصلت مهم است یعنی باور داشتن به نقش خود و تظاهر نکردن. هر دوی این‌ها، فارغ از مواضع سیاسی مشخص، نشان از بلوغ و هوش هیجانی دارند که فرد را قادر می‌سازد در میان توفان‌های حوادث، خودش باشد. در مقابل، فوتبالیست‌هایی قرار دارند در هیجان فضای مجازی غرق شده، بدون تحلیل کافی، روایت رسانه‌های بیرونی را تکرار می‌کنند. این جنس واکنش هیجان‌زده برخی از فوتبالیست‌ها، ناشی از مسئولیت اجتماعی نیست و صرفاً نتیجه هیجان و موجی است که فرد را با خود همراه کرده است.

چالش سواد رسانه‌ای

باید درک کرد که رسانه‌هایی چون «ایران اینترنشنال» و برنامه‌هایی مانند «هت‌تریک»، صرفاً به دنبال اطلاع‌رسانی یا تحلیل نیستند؛ آن‌ها در پی مهندسی افکار عمومی از طریق تحریک احساسات هستند. استفاده از واژگانی چون «خون‌شور» یا «نقاب افتاده» نه یک نقد تحلیلی، بلکه تلاشی برای برانگیختن خشم و ایجاد حس برتری اخلاقی در مخاطب است تا هر گونه مشارکت در سازوکارهای داخلی، هر چند برای حفظ یک پناهگاه اجتماعی چون فوتبال مذموم جلوه کند. این جاست که سواد رسانه‌ای به یک مهارت حیاتی تبدیل می‌شود. مخاطب هوشمند باید قادر باشد این

چرا تخریب فوتبال برای اینترنشنال مهم است؟

می‌کند. فوتبالی که می‌تواند لایه‌ای اخبار تلخ، بهانه‌ای باشد برای صحبت نسل‌ها و طبقه‌های اجتماعی و فرهنگی با هم، و شاید همین کار کرد است که عده‌ای را با فوتبال



و حالی که به جامعه تزریق می‌کند دشمن کرده، طوری که در تخیلات‌شان دوست دارند همه فوتبالیست‌ها با هم قرص مسهل بخورند و بازی نکنند.

می‌کند. فوتبالی که می‌تواند لایه‌ای اخبار تلخ، بهانه‌ای باشد برای صحبت نسل‌ها و طبقه‌های اجتماعی و فرهنگی با هم، و شاید همین کار کرد است که عده‌ای را با فوتبال